

مفهوم‌شناسی اخلاق

موضوع علم اخلاق، خلق نیکو و بد و نتیجه آن آشنایی و آراسته شدن انسان به فضائل و پرهیز او از ردائیل است.

خُلُق مفرد اخلاق از ماده (خَلَقَ) است، عالمان دانش اخلاق در تعریف آن گفته‌اند:

الخلق ملكة تصدر عنها الافعال بلا روية كمن يكتب شيئاً من غير أن يروى
في حرف حرف^۱

خلق ملکه‌ای (صفت راسخی در نفس) است که به سبب آن کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر صادر میشود، مانند نویسنده‌ای که بدون اندیشیدن، حروف را یکی پس از دیگری می‌نویسد.

از نظر اندیشمندان اسلامی هر صفتی از صفات که در اثر رسوخ و ریشه کردن در نفس آدمی، به صورت ملکه درآید، افعال مربوط به آن صفت بدون اندیشه از صاحب صفت صادر خواهد شد. مانند کسی که راستی، مهربانی، همزیستی، برخورد با چهره بشاش و ... در او ملکه شده است و کارهای یاد شده به آسانی از او سر میزنند.^۲

ابعاد وجودی انسان

انسان دو بعد وجودی دارد یکی بعد سفلی و حیوانی و دیگری بعد علوی و ملکوتی. در بعد سفلی کارها و صفات آدمی دارای خصائص فردی، جزئی و گاه مبتذل است. در این مرحله انسان حیوانی است مانند سایر حیوانات که بیشتر به نیازهای حیوانی و مادی توجه دارد. بعد علوی و ملکوتی انسان، بخش اصیل و ربوبی او را تشکیل میدهد، این بعد زمینه رشد و تکامل او را فراهم می‌آورد، بگونه‌ای که از فرشتگان برتر می‌شود. چنانکه بعد سفلی، زمینه برگشت به قهقری و سقوط انسان را آماده میکند تا جایی که از حیوان پست‌تر می‌گردد.

۱. الایچی، الموافق، ج ۲، ص ۱۵۸؛ ابن میثم بحرانی، شرح مائة کلمة لامیر المؤمنین (ع)، ص ۱۸.

۲. مولی صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۹، ص ۹.

آدمی زاده طرفه معجونی است
کز فرشته سرشته و ز حیوان
گر کند میل آن شود به از آن
ور کند میل این شود بد از این
از بخش اصیل انسان در قرآن به شیوه‌های متفاوت گزارش شده است.
خداوند در سوره مؤمنون نخست آفرینش مادی آدم را که از گل، نطفه، خون بسته، پاره
گوشت، استخوان و رویش گوشت بر آن، گزارش فرموده، آنگاه آفرینش ملکوتی و علوی او را با
اهمیت تمام بیان کرده و فرموده است:

ثم انشأناه خلقاً آخر فتبارك الله احسن الخالقين^۱

سپس او را به آفرینشی دیگر باز آفریدیم، بزرگ و برکت دهنده است خدای یکتا که بهترین
آفریدگار است.

خداوند در این آیه برای مراحل اولی آفرینش انسان واژه خلق را بکار گرفته و برای آفرینش
بعد علوی و ربوبی او از واژه انشاء استفاده کرده است.

با توجه به اینکه واژه انشاء به معنای ایجاد و تربیت است،^۲ تعبیر جدید، مخاطب را متوجه
معنای جدیدی می‌کند و آن اینکه در آفرینش بعد ربوبی انسان علم، قدرت، حیات و ... قرار داده
شده است که در مراحل پیشین (نطفه، علقه، مضغه و عظام) وجود ندارد و این مرحله از آفرینش
او در ذات و صفات با مراحل گذشته وجه اشتراکی با یکدیگر ندارند.^۳

در سوره مبارکه حجر نیز خداوند خطاب به فرشتگان از اراده خود مبنی بر آفرینش بشر از گل
خشک و لجن بدبوی خبر داده و سپس می‌فرماید:

فاذا سوّيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين^۴

پس هرگاه اندام او را پرداخته و آراسته کردم و از روح خود در آن دمیدم
همگی بر او سجده کنید.

از نگاه آیه یاد شده انسان به جهت دمیده شدن روح منسوب به پروردگار در او (بعد ملکوتی و
علوی) شایستگی پیدا کرد تا مسجود ملائک گردد.

معیار و هدف نهایی در اخلاق اسلامی

در نظام اخلاقی اسلام معیار کلی و هدف نهایی دستیابی به رضای خداوند که رستگاری
ابدی است و تمام ارزشها و افعال اخلاقی در همین راستا تعریف می‌شوند.

۱. مؤمنون / ۲۳، آیات ۱۲-۱۴.

۲. راغب، مفردات.

۳. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱-۲۲.

۴. حجر / ۱۵، ۲۹.

بعد علوی و فضائل اخلاقی اسباب و ابزار رستگاری و سعادت انسان‌اند، چنانکه بعد سفلی و ردائل اخلاقی اسباب و ابزار شقاوت و خذلان ابدی اوست؛ برای رسیدن به سعادت رستگاری، انسان مکلف است تا ردایل را از خود دور ساخته و به فضائل آراسته شود. خدای متعال در تبیین هدف نهایی رستگاری بزرگ را در تحقق رضای خدا دانسته و در سوره توبه چنین می‌فرماید:

وعدالله المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و

مساکن طیبه فی جنات عدن و رضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم^۱

خداوند به مردان و زنان مؤمن بوستانهایی وعده داده است که از زیر (درختان) آنها جویها روان است. در آنها جاویدانند و نیز از جاهای خوش و پاکیزه در بهشت‌های پاینده برخوردارند و خشنودی خدا از همه برتر و بزرگتر است. این است رستگاری و کامیابی بزرگ.

بر اساس این آیه، هر چند انسان بر اثر ایمان و عمل صالح شایسته بهشت جاویدان و نعمتهای آن می‌گردد، اما رضای خداوند را رستگاری بزرگ و هدف نهایی از ایمان و عمل صالح دانسته است.

ارزش ذاتی فضایل اخلاقی

یادآوری این نکته ضروری است که اعتقاد به جلب رضای خدا به عنوان هدف اصلی در نظام اخلاقی اسلام، به معنای نفی ارزش ذاتی فضائل اخلاقی نیست، چرا که صداقت و راستی یا عدالت و قسط و ... ارزش ذاتی دارند و فطرت انسان، آنها را مطلوب و کمال می‌داند. بلکه مقصود آن است که اتصاف به ارزشهای اخلاقی و عمل بر طبق آنها سبب تحقق رضای خدا که فوز عظیم است می‌شود. انسان با عمل به ارزشهای اخلاقی، افزون بر آنکه جان خود را به صفات الهی آراسته کرده، رضای خدا و فوز ابدی را برای خود نیز جلب نموده است.

افزون بر آن، همچنانکه ارزشهای الهی و افعال اخلاقی در جهت تحقق رضای خدا نقش دارند، جلب رضای حق نیز انگیزه‌ای قوی برای اتصاف انسان به فضائل اخلاقی است و در جهت دوام ارزشها و کارهای اخلاقی نیز مؤثر است.

پاداش اتصاف به اخلاق الهی

تخلقی و عمل به اخلاق الهی آثار و پاداشهایی دارد که برخی از آنها را بر می‌شماریم.

۱. کسی که به فضائل اخلاقی متصف است حالات نفسانی او در عالم باطن و ملکوت، به صورتی مناسب روحانی و همانند فضائل جلوه کرده و از آن صفات بهجت و سرور معنوی پیدا می‌کند و لذت می‌برد. چنانکه رذایل اخلاقی صورتهایی پلیدی پیدا می‌کنند و انسان از آنها در وحشت و رنج است.

۲. تخلیق به اخلاق الهی انسان را به همنشینی با صالحان و رستگاران سوق می‌دهد، آنان نیز به سوی او گرایش پیدا می‌کنند و این تأثیر و جاذبه متقابل نیز لذت بخش و سرور آفرین است. افزون بر اینکه زمینه تکمیل رشد و هم افزایی معنوی نیز فراهم می‌گردد.

۳. هرگاه افراد مجتمع، از روزی اتصاف به فضایل اخلاقی برخوردار شوند، جامعه‌ای سالم و ارزش مدار تحقق یافته، زشتیها و پلیدیها از آن رخت بر بسته و در نتیجه، مدینه فاضله الهی شکل خواهد گرفت و این رزق ارزشمند دیگری است که خداوند به انسانها عطا میکند.

كلو من رزق ربكم و اشكروا له بلدة طيبة و رب غفور^۱

از روزی پروردگارتان بخورید و او را سپاس گزارید، شهری است خوش و طیب (پر نعمت) و خداوندی آمرزنده و مهربان.

از آنچه بیان شد می‌توان گفت که اتصاف به ارزشهای الهی و انجام اعمال اخلاقی، همچنانکه عمل نیک انسان‌اند، خود پاداش عمل نیز هستند. از اینروست که خداوند در چند مورد از قرآن کریم جزای عمل را خود عمل دانسته است. از جمله اینکه به صورت استفهام تقریری می‌فرماید:

هل تجزون الا ما كنتم تعملون^۲

(آیا جز آنچه عمل می‌کردید پاداش داده می‌شوید.)

گاه به صورت جمله خبریه می‌فرماید:

و لا تجزون الا ما كنتم تعملون^۳

(و جزا داده نمی‌شوید مگر آنچه را عمل کرده‌اید.)

۱. سبأ / ۳۴، ۱۵.

۲. نمل / ۲۷، ۹۰.

۳. یس / ۳۶، ۵۴.

و در جای دیگر با بکارگیری حرف حصر، میفرماید:

انما تجزون ما کنتم تعملون^۱

(تنها به آنچه عمل کرده‌اید جزا داده می‌شوید.)

۴. آراسته شدن به فضیلت‌ها و عمل به افعال خداپسندانه، افزون بر آنچه گفته شد، رضای خدا را که فوز عظیم و هدف نهایی اخلاق الهی است در پی دارد. چه جایگاه رفیعی است که انسان در اثر تلاش و کوشش، فضائل اخلاقی را در نفس خودش به صورت خلق و ملکه تبدیل کرده تا رفتار الهی و خداپسندانه به روئے ثابت و صفت دائم او تبدیل شود، و نتیجه آن، ارتقاء به مقام نفس مطمئنه و جلب رضای حق خواهد بود.

یا ایته‌ا النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة^۲

تو ای روح مطمئن و آرام یافته، به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است.

توصیف نفوس مطمئنه به صفت «راضیة و مرضیة» به جهت آن است که اطمینان و آرامش دل به پروردگار، مستلزم آن است که از خداوند نیز راضی باشد، زیرا در برابر قضا و قدر تکوینی الهی و هم در برابر احکام (اعتقادی، اخلاقی و عملی) خداوند تسلیم است. در نتیجه خدا هم از بنده‌اش راضی است، زیرا چنین شخصی در مسیر بندگی و عبودیت خداوند حرکت کرده است. بر اساس آیات الهی، خداوند به نفس انسان رذائل و فضائل را الهام کرده و انسان بطور طبیعی و فطری آنها را ادراک می‌کند، و رستگاری او در پی تزکیه نفس تحقق می‌یابد.

و نفس و ما سواها * فالفهمها فجورها و تقواها * قد افلح من زکیها * و قد

خاب من دسیها^۳

قسم به نفس انسان و آن که او را سامان داد، پس تشخیص فجور و تقوا را به وی الهام کرد بی شک هر که خود را تزکیه کرد رستگار شد و بی‌گمان آن که خود را بیالود، محروم گشت.

از نگاه آیات یاد شده،

۱. خداوند در وجود انسان قدرت تشخیص فضایل و رذایل را قرار داده است.

۱. طور / ۵۲، ۱۶.

۲. فجر / ۸۹، ۲۷ و ۲۸.

۳. شمس / ۹۱، ۷ - ۱۰.

۲. انسان هم می‌تواند فجور و رذایل را در خود بپروراند و هم می‌تواند خود را به فضایل و تقوا آراسته گرداند.

۳. راه فلاح و رستگاری انسان تزکیه نفس است یعنی باید تلاش کند تا صفات الهی را در نفس خود به صورت خُلق و ملکه درآورد چرا که آلودگی به رذایل و ناپاکیها جز محرومیت و پستی، حاصلی ندارد.

۴. انسان تا از صفات رذیله پاک نشود، آماده پذیرش صفات الهی و اخلاقی ربوبی نمی‌گردد، زیرا ظرف ناپاک شایستگی محتوا و مظهر پاک را ندارد.

در این مجموعه مطالبی درباره رذایل و فضایل اخلاقی جمع آوری و تدوین شده است نخست رذایل و سپس فضایل اخلاقی ارائه میگردد.

باشد که مبلغ گرامی با روش ارائه شده، آثار ارزشمندی در نفوس مؤمنان بگذارد، تا هم او و هم نویسندگان این اثر از ثواب آن برخوردار شوند.